

آزار جنسی دانش‌آموزان توسط معلم

«اعتماد» در گفتوگو با «عبدالصمد خرمشاهی» و «مجید ابهری» به ابعاد حادثه وحشتناک پیش آمده در پارکینگ خانه‌ای در خراسان جنوبی می‌پردازد

بخشی از قانون اساسی: زنا از طریق اغفال و فریب دادن دختر نابالغ یا از طریق ربایش، تهدید یا ترساندن زن اگرچه موجب تسلیم شدن او شود نیز حکم فوق جاری است. منظور از حکم فوق یعنی اعدام

بهاره شبانکاریان

«این ماجرای وحشتناک در پارکینگ خانه یک معلم ریاضی در شهرستان «فردوس» از توابع استان خراسان جنوبی رخ داده است.»

تجاوز جنسی یکی از آسیب‌زننده‌ترین اتفاقاتی است که می‌تواند برای زنان، مردان و کودکان رخ دهد. برخلاف باور عامه تجاوز بیشتر توسط آشنایان قربانی اتفاق می‌افتد. همچنین کودکان بیشتر در معرض این آسیب هستند. تجاوز جنسی می‌تواند بنیان روانی قربانی را دگرگون کرده و آسیب‌های گوناگونی را در بخش‌های مختلفی از زندگی فرد ایجاد کند. به دلیل سنگین بودن بار روانی این اتفاق معمولاً قربانیان

نمی‌توانند مساله را براي ديگران عنوان كنند. كودك آزار جنسي از جمله مواردی است كه کمتر گزارش میشود. عنوان نكردن این اتفاق علاوه بر اینکه می‌تواند بار روانی تجاوز را بیشتر كند، می‌تواند فرد متجاوز را همچنان موجه جلوه دهد و در نهایت رفتار او ادامه پیدا كند.

هر شكل از رابطه جنسي كه در آن رضایت نباشد تجاوز جنسي محسوب میشود. در مورد ارتباط بزرگسالان با افراد زیر سن قانونی، حتی در صورت وجود رضایت، باز هم وضعیت تجاوز اطلاق میشود. تجاوز جنسي باید در بافتی از نارضایتي قرار بگیرد و گاهی اوقات قربانیان توانایی ابراز مراتب نارضایتي خود را ندارند و از سوی فرد متجاوز، تهدید میشوند.

این روزها انتشار اخباری مبني بر آزار و اذیت يك معلم ریاضی در شهرستان فردوس از توابع استان خراسان جنوبی افكار عمومی را متاثر کرده و بازتاب گسترده‌ای نیز در رسانه‌ها داشته است. براساس اطلاعات منتشر شده از این خبر «جعفر.د» معلم ۵۵ ساله در اردیبهشت ماه سال جاری تعدادی دخترچه محصل ۸ الي ۱۱ سال را در پارکینگ خانه‌اش مورد آزار و اذیت قرار داده است. او كودكان را تهدید می‌کرده كه اگر به والدین‌شان حرفی بزنند روی آنها آب جوش میریزد. این معلم با سوءاستفاده از برگزاری کلاس‌های خصوصی، تصاویر و فیلم‌های مستهجن برای كودكان پخش و آنها را مورد آزار قرار می‌داد. در نهایت با شکایت برخی خانواده‌های این دانش‌آموزان پرونده‌ای در این خصوص تشکیل و این مرد بازداشت میشود.

اطلاعات و گزارش‌هایی كه انتشار یافته نشان می‌دهد این مرد در دادگاه عنوان کرده كه دخترچه‌ها را صیغه کرده است. رییس كل دادگستری خراسان جنوبی درباره حكم صادر شده برای این متهم اعلام كرد: «به دلیل در دسترس قرار دادن محتویات مستهجن برای اطفال و نوجوانان به تحمل سه ماه حبس تعزیری، به اتهام آزار و اذیت به تحمل ۲ سال زندان و درباره بهره‌كشی جنسي از طریق در اختیار قرار گرفتن اطفال به تحمل 5 سال زندان محكوم کرده است. همچنین از سوی دیگر دادگاه متهم را از باب مجازات تکمیلی به ۲ سال ممنوعیت اقامت در فردوس محكوم کرده است.»

اما سوالی كه این روزها در افكار عمومی جامعه مطرح شده، این است كه چرا با وجود آزار و اذیت آن هم به صورت متوالی در كودكان متعدد، چنین حكمی از سوی دادگاه برای این متهم صادر شده است. درخصوص این خبر «اعتماد» در گفت‌وگو با «عبدالصمد خرمشاهی» و «مجید ابهری» به نکاتی درباره حكم صادر شده از سوی دادگاه برای این معلم و آسیبی كه به لحاظ روحی به این دانش‌آموزان وارد شده

است، می‌پردازد.

جامعه انتظار دارد به صورت شفاف و صریح تشکیلات قضایی، رفتار فرد خاطی مورد بررسی قرار گیرد

«عبدالصمد خرمشاهی» یکی از حقوقدانان سرشناس کشور، درباره خبری که مرتبط به آزار جنسی دانش‌آموزان توسط معلم‌شان است به «اعتماد» می‌گوید: «انتشار اخباری نشانگر این بود که معلمی در یکی از شهرستان‌های استان خراسان جنوبی تعدادی از دانش‌آموزان را مورد اذیت و آزار جنسی قرار داده است که این موضوع مایع خشم و نفرت عمومی شد. ابتدا باید ببینیم که معنی و مفهوم آزار و اذیتی که مسوولان مربوطه بدان اشاره کرده‌اند، چیست؟ اذیت و آزار جنسی مفهوم گسترده و وسیعی دارد می‌تواند از يك متلك ساده خیابانی شروع شود تا انواع و اقسام سوءاستفاده‌های جنسی مانند لمس کردن یا تماس فیزیکی فرد مقابل یا پیشنهادهای شرم‌آور یا نشان دادن مطالب یا تصاویر مستهجن و توهین‌آمیز به فرد مقابل تا تجاوز یعنی رابطه جنسی برقرار کردن به نحوی که فرد مقابل مکره بوده و به هیچ عنوان تمایل به این رابطه نداشته و بر اثر اقدامات فرد مرتکب، دچار ناراحتی و حتی افسردگی شود. در این مواقع دیده‌ایم زن، دختر یا کودکانی که مورد این‌گونه رفتارها قرار می‌گیرند به شدت دچار افسردگی شده و حتی در برخی مواقع دیده‌ایم که دست به خودکشی می‌زنند. کما اینکه در خبر مربوطه خواندیم که بعضی از این کودکان دچار اختلال روحی شدید شده و همان‌گونه که پدران‌شان تعریف کرده‌اند بعضاً در جایی نشسته و به نقطه مقابل چشم دوخته و به نوعی دچار شوک شده بودند.

خواندن یا شنیدن این‌گونه مطالب می‌تواند به شدت روح و روان خواننده را دچار ناراحتی و خشم کند. معمولاً در سراسر دنیا برای افرادی که امین مردم هستند مانند معلم، استاد، پزشک و وکیل اگر مرتکب این‌گونه رفتار نسبت به زنان یا دختران یا افرادی که مورد اعتماد آنها بوده‌اند، شوند جامعه عکس‌العمل تندي نشان می‌دهد و مجازات شدیدتری برای آنها اعمال می‌شود. بنده از جزییات پرونده و نوع رفتار نامناسب و غیراخلاقی و غیرقانونی فرد مرتکب اطلاعی ندارم و به همین خاطر نمی‌توانم در این خصوص قضاوت کرد که آیا احکام صادره در مورد ایشان منطبق با قانون بوده است یا نه! در قانون مجازات اسلامی اگر شخصی با زنی که راضی به زنا با او نباشد در حال بی‌هوشی، خواب یا مستی زنا کند، رفتار او در حکم زنا با او نباشد. در زنا از طریق اغفال و فریب دادن دختر نابالغ یا از طریق ربایش، تهدید یا ترساندن زن اگرچه موجب تسلیم شدن او شود نیز حکم فوق

جاري است. منظور از حکم فوق يعني اعدام. در بخشي از قانون مجازات اسلامي نيز مجازات افراڊي که عنوان اعمال و رفتارشان عنوان مجرمانه مفسد في الارض پيدا ميکند نيز مجازات است مانند افراڊي که در حد وسيع و گسترده مرتکب فحشا شوند يا مراکزي جهت فحشا دابر کنند. در هر حال به صورت کلي مجازات اعدام براي اينگونه افراڊي که مرتکب تجاوز به عنف شده اند يا در حد وسيع مرتکب رفتاري شده اند که معنا و مفهوم فساد در حد وسيع را شامل ميشود مجازات اينگونه افراد اعدام است. در هر حال با عنایت به اینکه دقيقاً نميدانيم معلم مذکور مرتکب چه نوع اقداماتي شده قضاوت در اين خصوص اندکي سخت است اما با عنایت به اطلاعاتي که درباره اين خبر عنوان شده به نظر ميرسد که رفتار معلم خاطي فراتر از يك آزار و اذيت جنسي ساده با مفهومي که عنوان شد، باشد. متاسفانه اينگونه رفتار و اعمال که باعث ايجاد ناراحتي و افسردگي ميان زنان و دختران ميشود از سوي مردان در جامعه ما کم نيست و به لحاظ اينکه دختران و بانوان وقتي مورد سوءاستفاده هاي اينچنيني قرار ميگيرند يا با آنها رفتاري خلاف اخلاق ميشود روح و روان آنها بر اثر رفتار غيراخلاقي فرد متجاوز به شدت مورد آسيب قرار ميگيرد و چون فرد قرباني از اين هراس دارد که حتي طرح شکايت باعث بي آبروي او و خانواده اش شود، متاسفانه از طرح شکايت نيز خودداري ميکند. حسب آمارهائي که منتشر شده معمولاً فرد قرباني به لحاظ مسائلي که عنوان شد از حق قانوني خود در اين مواقع به لحاظي که آبرو و حيثيت او و خانواده اش در معرض خطر قرار ميگيرد از شکايت منصرف ميشود، اما چاره کار چيست؟ به نظر ميرسد ابتدا همان راهکار فرهنگي که زنان و دختران بايد از همان ابتدای آموزش در دبستان و حتي مراحل پايين تر بدانند که چه حقيقي دارند و چه رفتاري با آنها صورت ميگيرد که به معني آزار و اذيت جنسي است. بنا بر اين بايد به زنان، دختران و کودکان آموزش داده شود که هنگام برخورد با اينگونه مسائل به شدت از حق خود دفاع کنند و موضوع را مسکوت نگذارند. به همين خاطر است که برخي مردان به لحاظ خودداري زنان از شکايت عليه آنان گستاخ ميشوند و بزه اذيت و آزار جنسي همان طوري که عرض شد از يك متلک ساده تا تجاوز به عنف در جامعه، مرتکب اينگونه جرايم ميشوند. جامعه انتظار دارد که به صورت شفاف و صريح تشکيلات قضايي، رفتار فرد خاطي را مورد بررسي قرار داده و افکار عمومي را روشن کند که فرد خاطي واقعاً مرتکب چه عمالي شده است و در هر حال آنچه مسلم است در برخورد با اينگونه افراد که معمولاً مورد اعتماد خانواده يا طرف مقابل قرار دارند بايد در چارچوب قانون اشد مجازات براي آنان در نظر گرفته شود.»

اين دانش آموزان بايد تحت روانکاوي قرار بگيرند

«مجید ابهری»، آسیب‌شناس و متخصص علوم رفتاری نیز درخصوص این خبر به «اعتماد» می‌گوید: «پدوفیلی (میل جنسی به کودکان)؛ به عنوان یک نقص روانی و روحی گریبانگیر بخشی از افراد جامعه در تمام کشورها است و منحصر به کشور و جامعه خاصی نمی‌شود. در جامعه ما نیز متأسفانه بعضی از افراد که دارای این بیماری هستند در جامعه حضور دارند. برقراری ارتباط با سوژه‌هایی که پسر یا دختر بوده و در سن قانونی و شرعی هستند این بیماری را رقم می‌زنند. نقص ژنتیک، باورهای فرهنگی، مشکلات دوران کودکی و نوجوانی، همچنین انحرافات و مشکلات تربیتی در خود شخص پدوفیل ممکن است باعث بروز این بیماری در بزرگسالی شود. در مورد این حادثه تلخ که در یکی از شهرستان‌های خراسان جنوبی رخ داده باید به نکاتی توجه دقیق داشته باشیم. ضرورت تست‌ها و آزمون‌های روانشناسی از افرادی که داوطلب حضور در آموزش و پرورش در دوران ابتدایی و متوسطه هستند باید صورت گرفت تا از ورود این افراد به جامعه آموزشی جلوگیری شود. پدوفیل‌ها اکثراً در دوران کودکی یا نوجوانی، خود قربانی آزارهای جنسی بودند. عدم درمان و روان‌درمانی فرد در بزرگسالی باعث بروز آن از سوی شخص می‌شود. متأسفانه در آن شهر این رفتار نامناسب و نادرست را انجام داده با ادعای غلط صیغه کردن دخترچه‌ها قصد توجیه کار غلط خود را داشته است. اولاً صیغه کردن دختر غلط بوده و مجاز نیست و ثانیاً این‌گونه توجیهات فقط برای بدبین‌سازی جامعه به خصوص جامعه هدف به اصول و مبانی و باورهای دینی است. کارشناسان و علمای دینی باید در این‌گونه موارد ورود کرده و اجازه زشت‌نمایی چهره باورهای دینی را ندهند. براساس شنیده‌ها متأسفانه این فرد مدت‌ها قبل از این حادثه نیز دست به چنین رفتار زشت و ناپسندی زده اما دوباره به محل کار خود بازگشته است. بازگشت دوباره او تأکیدی بر تکرار رفتار او است و عوامل بازگشت او نیز باید در این زمینه مورد مواخذه قرار بگیرند. کوچک بودن محیط وقوع حادثه باعث می‌شود کودکان نگون‌بخت این حادثه شوم انگشت‌نما شوند و تا پایان عمر این لکه ننگ را با خود به همراه داشته باشند. بنابراین محرمانه نگهداشتن این موضوع و جلوگیری از عدم رسوایی افراد یکی از اساس و منطق کار است.» ابهری در ادامه می‌گوید: «در جوامع دیگر در صورت بروز این‌گونه حوادث محرمانه نگهداشتن موضوع و قربانیان یکی از اصلی‌ترین رفتارها در روند بررسی و مشاهده است. وضعیت اقتصادی نامناسب خانواده‌های این دخترچه‌ها باعث شده که آنان از کلاس خصوصی این فرد که حتی بزرگ‌تر از پدر و پدربزرگ بعضی از این دختران بوده بهره‌گیرد. اجازه برگزاری کلاس خصوصی در خانه شخصی این فرد خود یکی از گام‌های مناسب در ارتکاب جرم است. مجوز برگزاری این‌گونه

کلاسها در خانه شخصی خود خطایی بزرگ است در صورت دادن مجوز به این‌گونه کلاسها باید در مدارس و تحت نظارت مدیران یا مسوولان مراکز آموزشی بوده باشد در غیر این صورت این حرکت خلاف قانون است. کلیه این کودکان نگون‌بخت باید تحت روانکاوی و روان‌درمانی قرار گیرند، چراکه افسردگی و انزوای آنها باعث جلب‌توجه والدین و خانواده آنها شده و در صورت تداوم افسردگی و انزوا ممکن است حوادث تلخ و شوم بزرگ‌تری برای این افراد رخ دهد. از نگاه آسیب‌شناسی اجتماعی نه تنها این کودکان در گوشه انزوا قرار خواهند گرفت، بلکه در سنین بالاتر و در مرحله ازدواج نیز آنها نخواهند توانست ازدواج مطلوب و مناسبی داشته باشند و همه اینها به خاطر رسوایی این رفتار غلط و نامناسب و کوچک بودن محیط زندگی است. عامل این جنایت تلخ نیز باید جز زندان تحت روان‌درمانی و روانکاوی قرار گیرد چراکه او نیز بیمار است و ممکن است باز به فکر تکرار این حوادث شوم بیفتد. جدا نگه داشتن او تا پایان روانکاوی و روان‌درمانی از جامعه یکی از گام‌های مناسب و مطلوب در این زمینه است. رسانه‌ها اعم از رسانه‌های مکتوب یا فضای مجازی باید دقت داشته باشند که از تکرار و افشای این‌گونه حوادث تلخ خودداری کنند و بدون کالبدشکافی علمی و آسیب‌شناختی بیان به افشای این اخبار نکنند. از نگاه رفتارشناسی اجتماعی تکرار و بیان عریان این‌گونه اخبار بدون کالبدشکافی باعث بروز و تکرار و بدآموزی‌های مجدد آن خواهد شد. بنابراین اصحاب رسانه باید عنایت ویژه داشته و وصل کردن این رفتارهای نادرست و غیرمنطقی به معیارهای دینی برای فرار از مجازات، انحراف مطلب است. بنابراین کارشناسان دینی همراه با روانشناسان و جامعه‌شناسان در برگزاری میزگردهای رسانه‌ای باید در مقابل این‌گونه رفتارهای نامناسب ایستادگی کنند.»